

## خمس و وجوهات شرعی از دیدگاه آیت الله منتظری

تاریخ انتشار : 10/2/1390

همچنین [ایشان در حالی رهبری نظام](#) را از قبول وجوه شرعی، منع می کند که خود بصراحت «خمس» را حق مخصوص مقام رهبری و منصب امامت می داند و استدلال می کند که انفال و خمس، اولاً و بالذات از آن خدا و در اختیار حکومت اسلامی است و اصناف سه گانه که خمس بدانها تعلق می گیرد، نه مالک آن بلکه مورد مصرف آن هستند و «مرسله حماد» و «مرفوعة احمد بن محمد» را نیز چنین توجیه می کند که صدر این دوروایت، از تقسیم سهام، سخن به میان آمده ولی این، امام و رهبر است که وجوه را تقسیم می کند و هر مقدار که اضافه آمد، باز در اختیار ولی و حاکم است و تسهیم به سهام مساوی نیز لازم نیست، بدین ترتیب، میان اخبار «تقسیم» با اخبار دال بر اینکه همه خمس، حق امام و حاکم اسلامی است، جمع می کند:

«المفروض فی مرسله حماد وجود امام مبسوط الید و رجوع جمیع الاخماس و الزکوات و غیر همامن الاموال الشرعیه الیه... فیعلم بذلك کله انه لیس للاصناف الثلاثة بالنسبة الی الخمس ملکية و اختصاص . بل الخمس با جمعه حق و حدانی ثابت للامام ... جعل لمنصب الامامة والحکم و تحت اختیار الامام و ان له ان یصرفه فی جمیع ما یراه من مصالح نفسه و مصالح المسلمین و منها ایضا ادارة عیشة الفقراء کما جعلت الزکاة و سائر الضرائب الاسلامیه ایضا تحت اختیاره»

یعنی روایت حماد، مربوط به جائی است که حکومت اسلامی تشکیل شده و رهبر مبسوط الید و دارای اختیارات کافی حضور دارد و همه خمس و زکات و سایر وجوه شرعی و مالیاتها در اختیار اوست و سه گروه مصرف کننده خمس، مالکیت یا اختصاصی نسبت به خمس ندارند بلکه خمس، حق ویژه رهبری و تنها در اختیار حاکم و رهبر است و او می تواند آن را در هر مورد و زمینه ای که مصلحت مسلمین و خود می داند و نیز اداره زندگی محرومین بمصرف برساند و همچنین است زکات و سایر مالیاتهاى اسلامی که همه باید در اختیار حکومت و رهبر باشد.

سپس نظر فقهی حضرت امام «رض» را نیز در تایید نظر خود، نقل می کند که:  
«من تدبر فی مفاد الآیة و الروایات یظهر له ان الخمس بجمیع سهامه من بیت المال والوالی ولی التصرف فیه، و نظره متبع بحسب المصالح العامة للمسلمین و علیه ادارة معاش الطوائف الثلاث من السهم المقرر ارتزاقهم منه حسب ما یرى. کما ان الزکوات بیده فی عصره یجعل السهام فی مصارفها حسب ما یرى من

المصالح ... و الظاهران الانفال ايضا لم تكن ملكا لرسول الله و الائمة «ع» بل لهم ملك التصرف»  
یعنی با تدبیر در معنی آیات و روایات (مذکور در متن)، آشکار می شود که خمس، کلیه سهام خمس،  
متعلق به بیت المال است فقط و ولی و حاکم، که حق تصرف در آنها را دارد که بحسب مصالح عمومی  
مسلمین، آن وجوه را به مصرف می رساند و سه گروه مذکور از این طریق ارتزاق می کنند. چنانچه  
زکات نیز در اختیار رهبری است و آن را هر جا صلاح بداند مصرف خواهد کرد.

آقای منتظری سپس راه ورود دیگری نیز برای حل همین مسئله جسته است:

1. خمس مال مخلوط به حرام را از صدقات بدانیم؛

2. خمس ارض ذمی را هم از زکوات بدانیم نه متعلق به رقبه ارض؛

3. معادن و گنج ها و آنچه در قعر دریاها یافت شود را از انفال مختص به امام و حاکم و خمس را از

قبیل حق اقطاع از ناحیه وی بدانیم؛

4. خمس ارباح را نیز از مالیاتهای خاص بدانیم که بدلیل محرومیت از زکوات و مالیاتهای شرعی، ائمه

اواخر «ع» وضع کردند بنابر این آنها هم مختص به امام و رهبر خواهد بود.

ایشان سپس در مورد عصر غیبت و تکلیف خمس در آن، پس از نقل نظریات 14 گانه به نقل از حدائق

و... و دو نظر از متاخران، خود چنین اظهار نظر می کند که: در مورد خمس و انفال و...، متصدی اخذ

و صرف آنها در شئون امامت و حکومت، آن کسی است که حق حاکمیت شرعی دارد یعنی پیامبر «ص»

و امام «ع» و سپس فقیه عادل:...

«للفقیه العادل العالم بمصالح الاسلام و المسلمین»

و در صورتی که حکومت در دست فقیه عادل نباشد؛ بهمان مقدار که می تواند: «... عدم بسط یدالفقهاء

الصالحین للحکومة و عدم استقرار الحکومة المطلقة لهم لا ینافی وجوب تصدیهم لبعض شئونها الممكنة و

صرف الاموال المقررة فی مصارفها بقدر سعة نطاق الحکم كما استقر علی ذلک عمل ائمتنا(ع)»

یعنی فقیه صالح حتی، اگر بر حکومت، مسلط و مبسوط الید نبوده و فاقد حکومت مطلقه باشد، باز هم به

همان میزان که برای او ممکن است، خمس و وجوه شرعی را دریافت کرده و به مصرف شرعی برساند

چنانچه ائمه(ع) چنین می کردند.